

پژوهش در روسپیگری^۱

پیشینه:

برای آنکه خوانندگان و پژوهشگران تصویری روشن از موقعیت پژوهش حاضر به دست آورند. فصل هفدهم از کتاب "انحرافات جنسی"^۲ اثر دکتر آلن کلیفورد^۳ که در نظر ما اثری مستند و متکی بر پژوهشهای معاصر در کشورهای دیگر است نقل می‌کنیم. فصل هفدهم کتاب از دو موضوع سخن می‌گوید: روسپیگری زنان، و مشتریهای روسپها.

روسپیگری زنان

تعریف:

روسپیگری در فرهنگنامه‌ها، آمیزش جنسی بخاطر پول در موقعیتها و وضعیتهای نامرتب توصیف شده است. اصطلاح روسپیگری در زبانهای غربی از کلمه Prostiure گرفته شده است که به معنی، عرضه کردن و به معرض فروش گذاشتن است. در قوانین اروپایی غالباً "روسپی به زنی می‌گویند که: بدن خود را به هر خریداری که پیش آید به فروش می‌گذارد"^۴. در فرهنگ برخی کشورها این تعریف بدشواری پذیرفتنی است: دیده شده است که زنی با مردی ثروتمند و پیر ازدواج کرده، سپس بدون انتظار پول به روسپیگری پرداخته است. و یا زنانی هر چندگاه معشوقه مردی شده‌اند. به نظر ما: روسپی زنی است، که بدون آنکه مجبور شود، خود را به هر کسی عاریه می‌دهد.^۵

^۱ پژوهش نخست در سالهای ۶۲-۱۳۶۰ در مجتمع خانواده "محل نگهداری و هدایت زنان خطاکار" در شهر مشهد انجام شده شرح تفصیلی آن را می‌توانید در کتاب "ساخت شخصیت و خانواده بزهکاران" انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد جستجو کنید.

^۲ Les deviation sexuales

^۳ Dr Clifford Alleu

روانپزشک و روانکاو انگلیسی معاصر نیمه‌دوم قرن بیستم

^۴ این کلمه در تعبیر رایج زبان فارسی "خودفروشی" است و با همین عنوان در کشورهای دیگر رایج بوده است.

آسیب‌شناسی - اجتماعی روسپیگری

بزهکاری‌های روسپیان در کشورهای اروپایی رقمی بالاست. ولی پژوهش‌های عمیق و دقیق روانکاوانه در این مورد اندک است. احتمالاً^۱ مانند اکثر روان‌نژندیهای جنسی روسپیگری ریشه‌های متعدد دارد. کلیفورد دو مورد نقل می‌کند که اولی را خود او و دومی را استکول^۱ یکی دیگر از روانکاوان پژوهش کرده است.

مورد اول: زن روسپی است که کار خود را با رقصیدن در تاتر شروع کرد. امام بعلت داشتن طپش قلب کار در روی صحنه برایش دشوار می‌شود. ناچار به کلوب‌های شبانه و عسرتکده‌ها کشانده می‌شود و بالاخره به روسپیگری و پذیرفتن مشتریهای خصوصی می‌پرداخت. تا اینکه دچار اسکیزوفرنی^۲ شد در این زمان هنگام عبور از خیابان بدون دلیل از مزاحمت مردان به پلیس شکایت می‌کرد. این حالت، بدون شک، معرف دشمنی عمیق او نسبت به مردان بود.

مورد دوم: دختر جوانی است که مادر فاسد او را به مادر بزرگش سپرده است. مادر بزرگ شبها کار می‌کرده و دختر در سن سیزده سالگی پسرها را در غیاب مادر بزرگ به خانه می‌آورده و سرگرم می‌کرده است. سرگرمی عبارت از آمیزش جنسی با پسر و گاهی برداشتن عکسهای برهنه بوده است. روزی، برحسب اتفاق یکی از عکسها بدست مادر بزرگ می‌افتد و او به یاری پلیس دختر را به کانون اصلاح و پرورش جوانان می‌فرستد. دختر جوان که روسپی شده شرح می‌دهد که کار او وسیله‌ای بوده است تا عده‌ای کرد او جمع شوند و او احساس کند که وجودش برای آنها لازم است. و این چیزی است که هرگز در کنار مادر و یا مادر بزرگ احساس نکرده است. او می‌گوید که هیچ بهره خاصی از کار نمی‌برد فقط احساس می‌کند که این کار برای پسرها خوش آیند است. بعدها مدت یکسال با جوانان مسن‌تر آمیزش می‌کرده. اندیشه روابط جنسی بقدری برای او عادی شده بودی که وقتی به زندان برده شد این فکر در او پیدا شده که سرنوشت او چنین است که تمام زندگی را بهمین ترتیب ادامه دهد و هرگز نمی‌تواند صاحب فرزند و خانواده‌ای عادی گردد. کلیفورد اضافه می‌کند که من دختری را در همین سن درمان کرده‌ام او در شرف سقوط در روسپیگری بود رواندرمانی درباره‌اش موثر

¹ Stock Well

² Schizophrenie

افتاد، او را به انجمن زنانه‌ای فرستاد که از زنان و دختران محترمی تشکیل می‌شد و بدین ترتیب یادگرفت که زندگی شرافتمندانه‌ای داشته باشد.

عوامل روسپیگری

کمیتة اختصاصی انجمن پزشکی بریتانیا باین نتیجه رسیده است که روسپیگری تنها یک دلیل ساده ندارد ولی تصور می‌کند که گاهی زمینه‌های ناجور فطری موجب انحراف رفتار جنسی زنان می‌شود. چنین عقیده‌ای از طرف ان کمیتة موجب شگفتی است زیرا "فطری" بودن گاهی به معنی "ارثی" بودن است و این در روسپیگری ممکن نیست. کمیتة مذکور عوامل مهم دیگری را بشرح زیر بیان می‌کند که ارثی نیستند:

۱- کمبودهای خانوادہ: فقدان وحدت خانوادگی همراه با کم محبتی والدین و عدم امنیت. در اغلب موارد روسپی‌ها کسانی بوده‌اند که در نوجوانی یا تحت انضباط شدید بوده‌اند و یا بخود واگذاشته شده‌اند.

بیشتر مواقع والدین نمونه خوبی نبوده‌اند و بسیاری از آنها ضعف اخلاقی داشته‌اند. در این گونه خانوادہ‌ها غالباً ارزشهای اعتقادی و اخلاقی وجود ندارد و فاقد احساس مسئولیت اجتماعی هستند.^۱

۲- تنبلی راحت‌طلبی و هوس بدست آوردن پول فراوان و آسان.

۳- میل به تحریکات بیش از حد در نوجوانی همراه با رشد ناکافی عاطفی و انکار واقعیتها.

۴- طغیان نوجوانی علیه تسلط و قدرت اطرافیان بویژه در نوجوانان ۱۳ تا ۱۷ ساله، در آنها فرار دائمی از مدرسه و بزهکاری‌های کوچک از سنین پایین دیده می‌شود.

۵- بهر هوشی پایین و غیرعادی بودن رفتار همراه با ناسازگاری اجتماعی.

درجه تسلط این عوامل بستگی به ساخت اجتماعی دارد که فرد در آن زندگی می‌کند. به جز در موارد ضعف هوشی اغلب روان‌درمانان و روانپزشکان معتقدند که روسپیگری زائیده عوامل محیطی است.

نورمن هر^۱ یکی دیگر از پژوهشگران انگلیسی با قدری اغراق در نتایج تجربه‌های خود دلایل روسپیگری را بشرح زیر برمی‌شمارد:

^۱ Normam Haire

- ۱- دلایل اقتصادی (فقر، بی‌چیزی)
 - ۲- پراشتهایی جنسی
 - ۳- سرد مزاجی
 - ۴- همجنس‌گرایی
 - ۵- ازدواج و ناموفق بودن در روابط جنسی
 - ۶- تربیت ناچور در دختران روسپی
 - ۷- فریب خوردن و رها شدن
 - ۸- ذخیره کردن پول برای ازدواج
- به نظر می‌رسد که دو دلیل آخر از عوامل اقتصادی باشد و علاوه بر این امروز در برخی کشورها زنان بقدر کافی درآمد دارند که دلایل ۷ و ۸ نقش زیادی ندارد نباید فراموش کرد که روسپی‌ها تمایل دارند که خود رابه دامن طبقات ثروتمند جامعه بکشاند و برای مدت کوتاهی هم که شده استقلال مالی داشته باشند. به همین جهت عده‌ای از کار در کلویهای شبانه به زندگی اشرافی و ثروتمند راه می‌یابند.
- برداشتهایی جنسی نیز نمی‌تواند دلیلی محکم باشد زیرا بسیاری از روسپی‌ها لذت نمی‌برند و احتمالاً سردمزاجی در آنها خیلی بیشتر است. با اینهمه باید پذیرفت که کمی پس از بلوغ نیازهای جنسی تشدید می‌گردد و در این فاصله است که دختران جوان به انحراف کشیده می‌شوند ولی اکثراً آنها ازدواج می‌کنند و آرام می‌گیرند.
- زنهای سردمزاج برای توجیه روسپیگری خود گفته‌اند که اگر از این کار بخت کمی برای لذت بردن داشته‌ایم ولی پول بدست می‌آوریم. سردمزاجی و نارضایی از آمیزش جنسی در ازدواج و همچنین همجنس‌گرایی مکمل یکدیگر است.
- عامل تربیت در دختران روسپی اهمیت زیادی دارد. ظاهراً اهمال کاری‌های تربیتی خانواده نقش اساس دارد. مواردی که دختران برای روسپیگری تربیت شوند نادر است غالباً دخترها رفتار مادران خود را مشاهده و تقلید می‌کنند و به زندگی مشابهی می‌پردازند.
- کریسنا سوامی^۱ در هندوستان ۵۰ مورد بزهکاری زنان و ۵۰ مورد روسپیگری را پژوهش کرده است و ۵۰ دختر جوان سالم را بعنوان معیار مقایسه برگزیده است. او کشف کرده که

¹ Krisnas Wamy

بزهکاران جنسی در کودکی ناراحتی‌ها و بیماریهای بیشتر داشته‌اند: هوسباز، سمج، مفرور بخود، خودخواه و تندخو بوده‌اند. علاوه بر این احساس کهنتری، عدم امنیت می‌کرده‌اند زیرا در خانواده مورد بی‌توجهی بوده‌اند. در برخی از خانواده‌ها دختران از مادر متنفر و پدر را دوست داشته‌اند و برعکس. رویهم اکثریت روسپی‌ها بهر دو نفر خصومت می‌ورزند. دختران سالم دارای کانون خانوادگی عادی بوده‌اند.

دختران سالم باهوشتر و خلاقتراند. بزهکاران جنسی ضریب هوشی بالاتر از روسپی‌ها داشته‌اند. بزهکاران و روسپی‌ها از لحاظ عواطف عقب افتاده‌تر و غیرارادی‌تر بوده‌اند. دختران سالم بیشتر فعال و کمتر مسامحه‌کار بوده‌اند. تعداد زیادی از دختران بزهکار و روسپی، هیچگونه جاه‌طلبی و هدف قابل توجهی نداشته‌اند و بکار کردن نمی‌اندیشیده‌اند. دختران سالم، برعکس، بهتر کار می‌کرده‌اند و کار آنها بهره بیشتری داشته است.

بزهکاران جنسی و روسپی‌ها، پرخاشگرتر بوده‌اند، قابل اعتماد نبوده‌اند. بی‌ادب، ماجراجو، دعواگر، متکبر، نامطمئن و ناخوش‌آیند بوده‌اند. در عین حال، اسرارآمیز و سوظن‌دار جلوه می‌کرده‌اند. دختران سالم، اجتماعی‌تر، صمیمی‌تر و شادتر بوده‌اند.

در انگلستان از هر صد بزهکار جنسی مورد مطالعه (مطالعه ۳۵ سال پیش انجام گرفته) ۹۰ مورد ازاله بکارت شده‌اند. و تنها ۳۶٪ زنان بزهکار توانسته‌اند ازدواج کنند و در همان زنان قریب ۳۶٪ دختران به طوعرادی بدون بکارت بوده‌اند. برخی از بزهکاران زن آشکارا ولنگاری می‌کرده‌اند و بسیاری از آنها گرایش همجنس‌بازی داشته‌اند. علی‌رغم تجربه‌های جنسی متعددی که داشته‌اند بزهکاران زن نسبت به هیچکس احساس دوست داشتن نمی‌کرده‌اند. خواست و کششهای مادرانه خاموش شده بود و در برخی از موارد خواست و کششهای جنسی جانشین آنها گشته بود. این پژوهش نشان می‌دهد که روسپیگری در زنان همانند؟ بزهکاریهای اجتماعی جنایی در مردان است.

دلایل روانکاوان:

روانکاوای دلایل عمیق روسپیگری را بشرح زیر برشماری می‌کند:

۱- در روسپی تمایل به همجنس‌گرایی واپس‌زده‌ای وجود دارد که روسپیگری پوششی بر آن می‌کشد.

۲- در روسپی نوعی عقده اودیپ^۱ حل نشده وجود دارد که بصورت بی بند و باری و هوسبازی زنانه ظاهر می شود.

۳- در روسپی عموماً خصومتی نسبت به پدر وجود دارد که نسبت به مرد بروز می کند. کاپریو^۲ روانکاو و روانپزشک آمریکایی که روسپیگری را در بیشتر نقاط جهان مورد مطالعه قرار داده است می نویسد.

فراوانی بازیهای جنسی زنان با هم^۳ در اکثر نقاط جهان مرا معتقد کرده است که روسپیگری بعنوان یک انحراف رفتار، نشانگر آن است که در میان زنان تمایل به همجنس گرایی به نسبت زیاد وجود دارد. زنان با روسپیگری بر همجنس گرایی واپس زده خود غلبه می کنند. همچنین عقیده دارم که روسپی ها دچار تعارض دو جنس گرایی^۴ حل نشده ای هستند و با پناه بردن به زندگی ناجوری که سود آن ناچیز است می کوشند تا ترسی را که نتیجه خواست ناخودآگاه آنها برای همجنس بازی است پنهان دارند. همانطور که انتظار می رود اکثر روسپی ها از خانواده هایی هستند که میان پدر و مادر عدم توافق و ناسازگاری وجود دارد، در دوران کودکی از محبت عادی پدر و مادر محروم بوده اند، احساس عدم امنیت آنها را به جلب رضایت این یا آن جنس و تحت تاثیر قرار دادن زنان یا مردان وا می دارد.

روسپی ها بعزت محرومیتی که داشته اند می کوشند تا احساس عدم امنیت در خود را فراموش کنند و با جستجوی محبت در جنس موافق تشنگی عاطفی خود را فرونشانند. گاهی نقش دختری را بازی می کنند که از محبت محروم بوده و در جستجوی محبت زنی برمی آیند که بزرگتر از آنهاست و می تواند جانشین مادر شود و یا نقش مادری را که تمایل به بازی جنسی با دختر دارد. بعهد می گیرد. در مورد اخیر عاطفه ای را که خود محروم بود صرف دیگری می کند.

روسپی های بچه‌ش:

مجموع روابط تعارض دار و تنش‌زای که در کانون خانواده میان پدر و مادر و *Complexe d'odipe*^۱ فرزند بوجود می آید و همراه با اوهام، پایدار باقی می ماند.

^۲ Caprio

^۳ Lebianisme

^۴ bisexualite

خانم دوچ^۱ در پژوهشهایی که انجام داده باین نتیجه رسیده است که روسپی‌ها از لحاظ روانی بجهوش هستند.

"حتی ابتدایی و قطعی‌ترین قوانین اخلاقی در این زنها بی‌اثر است: اینگونه قوانین متکسی به ارزشهایی هستند که روسپی‌ها نسبت به آنها بیگانه‌اند. به نظر آنها قوانین اخلاقی غیرقابل قبول و سرشار از دستورات ضد و نقیض است. هر گونه تلاشی برای تغییر زندگی آنها بی‌نتیجه بوده است زیرا تصور می‌کنند که مجری و واضع قوانین، پلیس و قدرت دولتی است و این نیروها علیه روسپی بکار افتاده است. وعده تشکیل خانواده و خوشبختی در کانون زندگی منظم بی‌اثر است. کانون خانواده در نظر آنها سرچشمه، رنجها و ناکامی‌های مرگزا است.

بجهوش بودن روانی به حدی است که گویی روسپی‌ها جهان را به منزله شیرخوارگاه بزرگی می‌پندارند که کارکنان آنان علیه آنها مجهز شده‌ان.

پژوهشگران این مساله را بررسی کرده‌اند نتیجه گرفته‌اند که هر بار یک روسپی را از محیط خودش بیرون می‌آوریم و در محیطی مناسبتر و راحتتر می‌بریم دوباره به محیط گذشته و اولیه‌اش برمی‌گردد بدون آنکه باینکار مجبور شده باشد. این امر خیلی مهم را نتیجه یادگیری و تاثیر محیط می‌دانیم نه فطری و یا ارثی بودن.

رفتار روسپی‌ها را باید با رفتار سنین خردسال و حتی برخی حیواناتن مقایسه کرد دیده شده که برخی از حیوانات برای بدست آوردن غذا به جفت‌گیری رضا می‌دهند. در هر حال روسپیگری نتیجه اوهام و عکس‌العملهایی است که در کودکی اخذ شده است. احتمال دارد که عوامل زیادی در آن دخالت داشته باشد و قوانین اخلاقی، اجتماعی و زندان در تغییر رفتارهایی تا این حد ریشه‌دار نمی‌تواند زیاد موثر باشد.

اولیوان^۲ نقل می‌کند که ارزیابی‌های انجام شده در مناطق مختلف قاره آمریکا و اروپا موید این واقعیت است که ۲۰٪ روسپی‌ها، در حد روان‌پریشی^۳، روان‌پریش، عقب افتاده ذهنی و یا کاملاً بیمار روانی هستند. علاوه بر این برخی از انواع روان‌پریشی مانند شیذوفرنهای^۴ ساده،

¹ Madame Deutsch

² Oliven

³ pre- psycholiques

⁴ Schisophrenes

هفبرنیکها^۱ با تمایلات ضد اجتماعی و آنهایی که گاه بیگانه دچار بحرانهای واقعی دیوانگی می‌شوند در میان روسپی‌ها دیده شده است.

بیشتر زنان روسپی در ردیف بزهکاران اجتماعی قرار می‌گیرند که در عمل خود اصرار می‌ورزند و به همین جهت از طرف عده زیادی تقاضای مجازاتهای سنگین برای آنها شده است. سختگیری گذشته در کشورهای اروپایی و آمریکایی برای جلوگیری از روسپیگری بی‌فایده بوده است و مطمئناً اگر بار دیگر پیمان بهمان شکل عمل شود سودی نخواهد داشت. آنهایی که می‌خواهند روسپیگری را از میان ببرند بایستی به ریشه‌ها و علل آن توجه کنند: علیه سختگیریها و گذشت‌ناپذیری‌های والدین در دوران کودکی بکوشند. از ایجاد محیطهای بد، کلوپهای شبانه، کافه‌هایی که تا نزدیک صبح باز هستند جلوگیری کنند. اگر این اساکن فساد افزایش یابد، روسپیگری و ناراحتی‌های دیگر ترویج می‌شود. در مقابل باید برای جوانان تفریحات و سرگرمی‌های مناسب بوجود آورد. انتشار آثار و ایجاد محلهای محافظت اطفال و مراقبتهای خانوادگی در کاهش روسپیگری اثر فراوان دارد موثرتر از فعالیتهای خیریه برای جمع‌آوری روسپی‌ها از کوجه‌ها است.

مشتریهای روسپی‌ها

در مورد مردانی که به روسپیها پناه می‌برند مطالعه زیادی نشده است با اینهمه برخی پژوهشها گروهایی را در آنها مشخص می‌نماید:

۱- مردان خجالتی و عصبی: اینگونه مردان نگران ناتوانی جنسی خود هستند و از گرفتن زن جوان ترس دارند. از اضطراب رنج می‌برند، دنبال کسی می‌گردند که ضعف آنها را مسخره نکند و برای اینکار حاضرند هر چند لازم است بپردازند. خطرات این کار علاوه بر ابتلا به بیماری‌های جنسی آن است که روسپی‌ها غالباً جذاب نیستند. در اندیشه بدست آوردن پول شتاب دارند در نتیجه عدم موفقیت و اضطراب مشتری خود را می‌افزایند. اضطراب حاصل موجب انزال پیش‌رس و یا احساس ناتوانی جنسی می‌شود. در حالی که شرایط عادی و صحیح فراهم بود همه چیز طبیعی می‌گذشت.

^۱ Hebephreniques

- ۲- **الکلی‌ها:** اینگونه مردان تصور می‌کنند که بدون نوشیدن الکل نمی‌توانند به آمیزش‌های جنسی بپردازند و غالب بزهکاری‌ها جرائم جنسی از جانب آنها بروز می‌کند در کشورهایی که کلوب‌های شبانه و فروش آزاد الکل رایج است. جنایات در رابطه با این مساله فراوان است.
- ۳- **روان‌نژندهای جنسی:** عده‌ای از مشتریهای روسپی‌ها روان‌نژندهای جنسی هستند که ظاهراً برای دیگران خطرناک نیستند. برخی از رفتارها و تقاضاهای انحرافی جنسی برای زنها عادی و سالم غیرقابل قبول است ولی روسپی‌ها قبول آن را جز کار خود می‌دانند. انحرافات دیگری مانند دگرآزاری و یا آزاردوستی نیز به فراوانی دیده می‌شود در هر حال تجربه نشان داده است که در صورت وجود روان‌نژندی‌های جنسی معالجه کردن بهتر از پناه بردن به روسپیان است.
- ۴- **مردان مسن:** مردان مسنی که تنها مانده‌اند ولی فعالیت جنسی آنها باقی است از جمله مشتریهای روسپیان هستند. برخی از آنها باین زندگی خو گرفته‌اند و عده‌ای نیز زنان خود را از دست داده‌اند.
- ۵- **انواع دیگر:** انواع دیگر مردانی هستند که به نحوی درگیری دارند: مثلاً: مردانی که بچه‌وش مانده‌اند و نمی‌توانند مسئولیت تشکیل زندگی و ازدواج را بعهده بگیرند، و یا مردانی که تربیت آنها مانع دوست داشتن یک زن می‌شود. مردانی که باندازه کافی جذابیت ندارند تا بطور کامل مورد توجه زنی قرار گیرند. مردان تاجرپیشه که در حرکت و مسافرت هستند، توانایی که پس از مدتی طولانی دریانوردی به بنادر می‌رسند.

روسپیگری کودکان و نوجوانان

لوموآل^۱ روانشناس و محقق فرانسوی با مشاهداتی که در محل نگهداری کودکان و نوجوانان کرده است. صد روسپی کم سال را مورد مطالعه قرار داده است و به مسائل اجتماعی، روانشناسی و روانپزشکی آنها توجه خاص نموده است. و آمار زیر را بدست آورده است.^۲

^۱ P. Le Moal

مطالعه درباره روسپیگری خردسالان چاپ پاریس انتشارات اجتماعی فرانسه

^۲ نقل از کلیات روانپزشکی کودک اثر J. DE. Ajuriaguerra چاپ Masson پاریس

۹۴٪ آنها روسپیگری را پیش از ۱۸ سالگی شروع کرده‌اند و کم‌سالترین آنها ۱۳/۵ سال داشته است. در ۷٪ موارد میان روسپیگری و نخستین تجربه ارتباط پیوسته بوده است. ۶۰٪ موارد با واسطه و پشتیبانی فرد دیگر انجام گرفته است که یا به آن فرد وابستگی شهوانی - احساسی داشته‌اند و یا از آنها می‌ترسیده‌اند. محیط خانواده ۲۳٪ روسپی‌های خردسال بهم ریخته و پریشان بوده است و ۵۵٪ آنها بوسیله پدر یا مادر طرد شده‌اند. تنها ۱۰٪ آنها به کانون خانواده‌های عادی تعلق داشته‌اند.

عواملی که لوموآل برای روسپیگری برمی‌شمارد یعنی: کمبود عواطف، نقص تربیتی و ضعف اخلاقی همان هستند که غالباً برای کودکان و نوجوانان ولگرد منظور می‌کنند. ضریب هوشی آنها بطور متوسط ۶۵٪ است تنها ۶٪ از ۳۵٪ روسپی عقب‌افتاده یا کورن واقعی هستند. در اروپا به همان اندازه که از روسپی‌های بزرگسال کاسته شده تعداد روسپی‌ها کم سال افزایش یافته است و هرچه سن افزایش می‌یابد تعداد کم می‌گردد. تصور می‌رود که روسپی‌گری مردانه این نقطه جهان روبه فزونی است.

ساکوت^۱ نشان می‌دهد عواملی که موجب کاهش روسپی‌گری بزرگسالان می‌شود همان اثر و نقش را در مورد خردسالان ندارد. از یک طرف آزادی زیادی که در آداب و رسوم اروپایی بوجود آمده روسپی‌ها را از مشتری‌های سنتی و قدیمی خودشان که غالباً مردان مسن هستند محروم نساخته است... و از طرفی استعمال مواد مخدر، نیاز به پول زیاد بوجود می‌آورد و موجب کشانده شدن اجباری به روسپیگری برخلاف تمایل فرد می‌شود.

سال ۱۹۸۱ Bauvgarde de L'enfacne جنب‌دهای فعلی روسپیگری خردسالان در مجله M.Sacott^۱